

Personality correlates of emotionally abused students with the opposite sex

M. Yaghoobkhani Ghiasvand*

G. Fathi Aghdam*

*Instructor of Psychology, School of Humanities, Abhar Islamic Azad University, Abhar, Iran

*Abstract

Background: Numerous studies have shown that abuse is prevalent among married couples, while the number of studies conducted on this issue among the college students who are involved in personal relationships, is low. Furthermore, the majority of these studies have paid little attention to the personality characteristics of victims.

Objective: The aim of this study was to identify the personality correlates of emotionally abused students.

Methods: This was a correlational study conducted in 2010. Participants were 424 students of Islamic Azad university of Abhar selected randomly. Data were collected using Neo personality test and Ginny NiCarty questionnaire of emotional abuse. Statistical tests including multivariate regression and Anova were used for analysis of data.

Findings: Of 424 participants, 189 were females and 235 males with a mean age of 23.7 ± 5 years. Abusive relationship was observed in 42% of cases. Extroversion was a stronger variable in prediction of being abused ($r=0.78$, $P<0.0001$), openness to experience, neuroticism, and agreeableness were in the next ranks, respectively. Results of 2 way Anova ($F=50.80$, $P<0.000$) indicated that the independent effects of sex and violence were significant although the interaction between these factors found to be insignificant.

Conclusion: Based on our data, the extrovert students experienced more abusive relationships while the individuals with more agreeableness reported less abuse.

Keywords: Emotional Abuse, Personality, Psychological Violence

Corresponding Address: Marzieh Yaghoobkhani Ghiasvand, Counseling Center, Student Affairs, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

Email: myaghubiyg@yahoo.com

Tel: +98-912-3813496

Received: 13 Apr 2011

Accepted: 14 Nov 2011

همبسته‌های شخصیتی دانشجویان قربانی سوءاستفاده عاطفی در ارتباط با جنس مخالف

مرضیه یعقوبخانی غیاثوند*

قربان فتحی اقدم*

* مربی روان‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

آدرس نویسنده مسؤول: قزوین، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، معاونت دانشجویی، دفتر مشاوره، تلفن ۰۹۱۲۳۸۱۳۴۹۶

Email: myaghubiyg@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۰/۸/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۰/۱/۲۴

* چکیده

زمینه: تحقیق‌های زیادی در مورد سوءاستفاده در روابط زوجین انجام شده، ولی پژوهش‌های اندکی این مسأله را در روابط نزدیک دانشجویان بررسی کرده و به ویژگی‌های شخصیتی قربانیان سوءاستفاده پرداخته است.

هدف: مطالعه به منظور تعیین همبسته‌های شخصیتی دانشجویان سوءاستفاده عاطفی انجام شد.

مواد و روش‌ها: این مطالعه همبستگی در سال ۱۳۸۹ بر روی ۴۲۴ دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر انجام شد که به طور تصادفی ساده انتخاب شدند. اطلاعات با آزمون شخصیتی نئو و پرسش‌نامه سوءاستفاده عاطفی گینی نیکارتی جمع‌آوری و داده‌ها با آزمون‌های آماری رگرسیون چند متغیره و آنالیز واریانس تحلیل شدند.

یافته‌ها: از ۴۲۴ دانشجوی مورد مطالعه، ۱۸۹ نفر زن و ۲۳۵ نفر مرد با میانگین سنی $23/7 \pm 5$ سال بودند. ۴۲٪ روابط دانشجویان توأم با سوء استفاده بود. برون‌گرایی قوی‌ترین متغیری بود که خشونت دیدگی را پیش‌بینی کرد ($r = 0/78$ ، $P < 0/000$). باز بودن به تجربه، روان رنجورخویی و موافق بودن به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار داشتند. نتایج آنالیز واریانس دو طرفه حاکی از معنی‌داری اثرات مستقل جنسیت و خشونت بود ($F = 50/80$ ، $P < 0/000$)، اما اثر تعاملی بین این دو عامل معنی‌دار نبود.

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت برون‌گرایان خشونت بیش‌تری را تجربه کردند و افرادی که ویژگی موافق بودن بیش‌تری داشتند، خشونت کم‌تری را گزارش کردند.

کلیدواژه‌ها: سوء استفاده عاطفی، شخصیت، خشونت روان‌شناختی

* مقدمه

نیز به کار رفته است. این اعمال به طور نمادین به فرد دیگر آسیب می‌زنند و برای ترور شخصیت قربانی به کار می‌روند و از قدرت جسمانی استفاده نمی‌شود. پژوهش‌ها مؤید آن است که اثرات سوءاستفاده روانی و عاطفی (emotional abuse) و خشونت در روابط نزدیک اگر بیش از خشونت فیزیکی نباشد، به همان اندازه آسیب‌زا هستند.^(۲-۵) نظریه‌های مختلف تبیین‌های متفاوتی از این مشکل اجتماعی ارائه می‌دهند. به طور کلی می‌توان نظریه‌های موجود در این زمینه را در دو رویکرد

خشونت و سوءاستفاده در روابط بین فردی، مشکلی اجتماعی با اثرات گسترده است که در تمام فرهنگ‌ها، نژادها و طبقات اجتماعی به شیوه‌های متعددی اعم از فیزیکی، جنسی، عاطفی و کلامی روی می‌دهد. هدف همه انواع سوءاستفاده‌ها در روابط نزدیک، اعمال قدرت و کنترل یک فرد بر دیگری است. هرچند تحقیق‌های اخیر حاکی از آن است که روابط خشونت آمیز دو طرفه هستند و پویایی‌های دیگری به جز کنترل را در بر دارند.^(۱) برای خشونت عاطفی، معادل‌های سوءاستفاده روانی - کلامی

با آلفای کرونباخ $0/90$ با اندکی تغییر برای انطباق با فرهنگ ایران. این پرسش‌نامه شامل ۵ گزینه همیشه، اغلب، گاهی، به ندرت، و هرگز بود که انتخاب هریک از آن‌ها به ترتیب نمره ۱، ۲، ۳، ۴ و صفر دریافت می‌کرد. معیار تشخیص خشونت‌دیدگی، کسب نمره یک انحراف معیار بالاتر از میانگین در پرسش‌نامه خشونت عاطفی بود.

جمع‌آوری داده‌ها به صورت گروهی انجام شد. پس از توجیه دانشجویان در خصوص هدف پژوهش، از دانشجویان خواسته شد از ذکر نام خود بر روی پرسش‌نامه‌ها خودداری کنند و به سؤال‌ها در ارتباط با کیفیت رابطه‌ای که اخیراً یا در گذشته با جنس مخالف داشته‌اند پاسخ دهند. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS ۱۶، آمار توصیفی، رگرسیون چند متغیره و آنالیز واریانس دو طرفه استفاده شد.

* یافته‌ها:

از ۴۲۴ دانشجوی شرکت‌کننده در این مطالعه، ۱۸۹ نفر (۴۴/۶ درصد) زن و ۲۳۵ نفر (۵۴/۴ درصد) مرد با میانگین سنی $23/7 \pm 5$ سال بودند. از این تعداد ۴۲ درصد رابطه توأم با سوءاستفاده را گزارش کردند. بیش‌ترین مقدار آزار گزارش شده (۴۶ درصد) مربوط به حس تحقیر و بی‌ارزشی بود که شریک رابطه سعی کرده بود آن را در فرد مقابل ایجاد کند و کم‌ترین آزار گزارش شده (۳ درصد) مربوط به احساس خستگی و وابسته شدن به فرد آزاررسان بود.

رگرسیون چند متغیره رابطه بین شخصیت و خشونت‌دیدگی را معنی‌دار نشان داد ($P < 0/0001$) و متغیر شخصیت ۸۶ درصد واریانس خشونت‌دیدگی را به خود اختصاص داد. بُعد برون‌گرایی به تنهایی ۷۸ درصد واریانس متغیر وابسته یعنی خشونت‌دیدگی را پیش‌بینی کرد. در حالی که سه بُعد دیگر شخصیت یعنی باز بودن به تجربه، روان‌رنجوری و توافق به طور کلی موجب ۹ درصد افزایش در واریانس متغیر وابسته شدند. از ۵ بُعد

جامعه‌شناختی و روان‌شناختی گنجانده، رویکرد جامعه‌شناختی، سوءاستفاده در رابطه را در یک مدل بزرگ یعنی جامعه‌می‌بیند. در حالی که روان‌شناسی، خشونت را در یک سطح تحلیلی خرد تبیین می‌کند. از دیدگاه جامعه‌شناختی خشونت حاصل عوامل اجتماعی است. دیدگاه روان‌شناختی خشونت را به عوامل درون فردی مثل پرخاش‌گری، ضعف مهارت‌های حل تعارض و اختلال‌های شخصیتی نسبت می‌دهد.^(۶)

تحقیق‌های مبتنی بر رویکرد روان‌شناختی به عوامل زمینه‌ساز خشونت در افراد مرتکب این عمل توجه بیش‌تری می‌کنند^(۷) و کم‌تر پژوهشی را می‌توان یافت که بر ویژگی‌های شخصیتی قربانیان خشونت تمرکز کرده باشد. در ایران نیز با وجود تحقیق‌های روزافزون در خصوص خشونت و سوءاستفاده عاطفی، بیش‌تر جمعیت‌های خاص مثل زوجین مراجعه‌کننده به مراکز پزشکی قانونی بررسی شده‌اند.^(۹) بنابراین مطالعه حاضر با هدف تعیین همبسته‌های شخصیتی دانشجویان قربانی سوءاستفاده عاطفی انجام شد.

* مواد و روش‌ها:

این مطالعه همبستگی در سال ۱۳۸۹ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر انجام شد. شرکت‌کنندگان در این پژوهش ۴۶۰ دانشجوی فنی-مهندسی و علوم انسانی بودند که به شیوه تصادفی ساده انتخاب شدند و ۴۲۴ نفر آنان به طور کامل به ابزار تحقیق پاسخ دادند.

پرسش‌نامه‌های این تحقیق عبارت بودند از: الف) آزمون شخصیتی نئو نوع کوتاه (۶۰ سؤالی) با ضریب پایایی از طریق همسانی درونی $0/79$ ، $0/80$ ، $0/75$ و $0/83$ به ترتیب برای ابعاد روان‌رنجوری، برون‌گرایی، باز بودن به تجربه، توافق و وظیفه‌شناسی. پاسخ‌دهی به این آزمون به صورت مقیاس لیکرت با طیف ۵ گزینه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم بود. با توجه به جواب، به هریک از گزینه‌ها نمره صفر تا ۴ تعلق می‌گرفت. ب) پرسش‌نامه سوءاستفاده عاطفی گینی نیکارتی (۷۹ سؤال)

عنوان یک عنصر عادی در روابط تلقی شود.^(۱۱) هرچند اگر این ارتباطات به یک رابطه جدی و رسمی بیانجامد، می‌تواند در آینده پیامدهای منفی خشونت خانگی و طلاق را در پی داشته باشد. وجود آمار و ارقام نگران کننده، هشدار برای برنامه‌های سلامت و پیشگیری است و تحقیق‌های آتی باید ملاک‌های دقیق‌تری را به کار برند تا بتوان مرز یک ارتباط آزاررسان و سالم و انواع روابط مسموم را دقیق‌تر تعریف کرد.

در این مطالعه افراد برون‌گرا نمره خشونت‌دیدگی بیش‌تری داشتند و به ترتیب ابعاد باز بودن به تجربه، روان‌رنجوری و توافق در رتبه‌های بعدی قرار داشتند که با یافته‌های هلر و همکاران همخوان است. آن‌ها دریافتند صفت شخصیتی روان‌رنجوری و هیجان‌های منفی با کیفیت رابطه مرتبط است.^(۱۲) عده‌ای از تحقیق‌های جدیدتر نیز به این مطلب اذعان دارند که ابعاد شخصیتی روان‌رنجورخویی، باز بودن به تجربه و موافق بودن، با تعامل‌های منفی در ارتباط است.^(۱۳-۱۵)

در پژوهش حاضر برون‌گرایی قوی‌ترین همبستگی را با خشونت‌دیدگی داشت. در حالی که تحقیق‌های گذشته بر روان‌رنجور خویی خشونت‌دیدگان تأکید کرده‌اند.^(۱۵و۱۴) یک توجیه احتمالی برای این مسئله می‌تواند سن آزمودنی‌ها و نوع ارتباط آن‌ها باشد. در این تحقیق فقط دانشجویان شرکت داشتند، لذا طبیعی به نظر می‌رسد در این سن، بُعد برون‌گرایی و باز بودن به تجربه بالاتری را کسب نمایند. همچنین نوع رابطه سنجیده شده بیش‌تر یک ارتباط غیر جدی و از نوع دوستی بود. منطقی به نظر می‌رسد بُعد وظیفه‌شناسی که حاکی از تعهدات افراد است ارتباط معنی‌داری با خشونت‌دیدگی نداشته باشد. بنابراین ممکن است همبستگی شخصیت و خشونت‌دیدگی با نوع رابطه تغییر کند. برای مثال، در ارتباط‌های زناشویی که رابطه جدی است و فرد تکلیف‌های اجتماعی بیش‌تری دارد، ممکن است ابعاد توافق و وظیفه‌شناسی ارتباط قوی‌تری با خشونت نشان دهند.

شخصیت، متغیر وظیفه‌شناسی رابطه معنی‌داری با خشونت‌دیدگی نداشت و از معادله رگرسیون خارج شد (جدول شماره ۱). لذا می‌توان معادله رگرسیون را برای رابطه خشونت‌دیدگی و شخصیت به صورت زیر نوشت:

$$\hat{Y} = 2/69 \text{ برون‌گرایی} + 2/31 \text{ تجربه} + 0/35 \text{ باز بودن} + 2/22 \text{ توافق} - 0/29$$

جدول ۱- قدرت پیش‌بینی هریک از ابعاد شخصیت در ارتباط با خشونت‌دیدگی

متغیر	ضریب B غیراستاندارد	ضریب B استاندارد	ضریب رگرسیون	ضریب تعیین	سطح معنی‌داری
برون‌گرایی	۲/۶۸	۰/۵۵	۰/۸۸	۰/۷۸	۰/۰۰۰۱
باز بودن به تجربه	۲/۳۱	۰/۴۰	۰/۹۲	۰/۸۶	۰/۰۰۰۱
روان‌رنجوری	۰/۳۵	۰/۰۷	۰/۹۳	۰/۸۶	۰/۰۰۰۱
توافق	-۰/۲۹	۰/۰۴	۰/۹۳	۰/۸۶۹	۰/۰۰۰۱

نتایج آنالیز واریانس دو طرفه برای سنجش اثر تعاملی نشان داد هریک از اثرات جنسیت و خشونت معنی‌دار بودند، اما اثر تعاملی بین این دو متغیر وجود نداشت. به عبارت دیگر تفاوتی در الگوی شخصیت خشونت‌دیدگان از نظر جنسیت دیده نشد (جدول شماره ۲).

جدول ۲- نتایج آنالیز واریانس دو طرفه برای تعیین نقش جنسیت و خشونت بر ابعاد شخصیت

منبع واریانس	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	نسبت F	سطح معنی‌داری
جنسیت	۲۱۸/۲۳۴	۱	۲۱۸/۲۳۴	۴/۰۷۶	۰/۰۴
خشونت	۳۷۱۹/۹۸۶	۱	۳۷۱۹/۹۸۶	۵۰/۸۰۳	۰/۰۰۰
جنسیت × خشونت	۰/۷۶۷	۱	۰/۷۶۷	۰/۰۱۴	۰/۹۰
خطا	۲۲۲۷۲/۷۴	۴۱۶	۵۳/۵۴۰		
کل	۲۴۶۲۸۱	۴۲۰			

* بحث و نتیجه‌گیری:

این مطالعه نشان داد حدود نیمی از روابط بین دو جنسیت متفاوت، توأم با سوءاستفاده و در واقع از هر دو رابطه، یک رابطه ناسالم بود. این آمار با داده‌های مطالعه ویلیامز و همکاران در مورد روابط خشونت‌آمیز همخوانی دارد.^(۱۰) مونوز نیز با مطالعه بر روی دانشجویان در اسپانیا به این نتیجه رسید که پرخاش‌گری روانی در روابط نزدیک و دوستی‌ها آن قدر شایع است که می‌تواند به

3. Gladys JL, Winston TE. Relationship violence among African American college students. *J Alabama Acad Sci* 2003 Jan; 741 (1)
4. Dye LM, Davis KE. Stalking and psychological abuse: common factors and relationship-specific characteristics. *Violence Vict* 2003 Apr; 18 (2): 163-80
5. Amanor-Boada Y, Smith SM, Miller MS, et al. Impact of dating violence on male and female college students. *Partner Abuse* 2011; 2 (3): 323-43
6. Tajima EA. Risk factors for violence against children: comparing homes with and without wife abuse. *J Interpers Violence* 2004; 17 (2): 122-49
7. Maafi M. Survey of psychological characteristics of family violence perpetrators. M.A. Dissertation, Faculty of psychology, University of Alzahra, 2003 [In Persian]
8. Razavipoor E. Psycho-social factors of mental abuse against women. M.A. Dissertation of women studies, University of Isfahan, 2008 [In Persian]
9. Eftekhar H, Kakoei H, Setareh FA, et al. Demographical characteristics of victims of spousal abuse who referred to coroner. *Social welfare quarterly* 2006; 3 (12): 257-70 [In Persian]
10. Williams JR, Ghandour RM, Kub JE. Female perpetration of violence in heterosexual intimate relationships: adolescence through adulthood. *Trauma Violence Abuse* 2008 Oct; 9 (4): 227-49
11. Muñoz-Rivas MJ, Graña Gómez JL, O'Leary KD, et al. Physical and psychological aggression in dating relationships in Spanish university students. *Psicothema* 2007 Feb; 19 (1): 102-7
12. Heller D, Watson D, Hies R. The role of

در مطالعه حاضر تفاوت معنی‌داری در تعامل شخصیت و خشونت‌دیدگی در دو جنس وجود نداشت. یعنی ارتباط ابعاد مختلف شخصیت با خشونت‌دیدگی در هر دو جنس تقریباً یکسان بود. برای مثال، برون‌گرایان (صرف‌نظر از جنسیت) بیش‌تر در معرض سوءاستفاده قرار گرفتند. این یافته مؤید پژوهش استراس است. وی گزارش کرد سوءاستفاده عاطفی زنان از مردان نرخ کمی ندارد و این حوزه تحقیقی مورد غفلت واقع شده است. او همچنین به آمارهایی اشاره کرد که دال بر نرخ بالای خشونت زنان علیه مردان بود. در ضمن این خشونت به دلیل دفاع فردی نبوده و انگیزه‌های دیگری داشته است. وی آمار ۴۰ درصدی خشونت فیزیکی دانشجویان دختر، علیه دوست پسرشان را گزارش کرد.^(۱۶)

پیشنهاد می‌شود در خصوص خشونت روانی و سوءاستفاده علیه مردان تحقیق‌های بیش‌تری انجام و زمینه‌های موجود در این رابطه بیش‌تر شناخته شود. چرا که به دلیل مسایل فرهنگی، ممکن است مردان موارد سوءاستفاده را کم‌تر گزارش دهند و این آمار لزوماً به معنای شیوع کم‌تر خشونت علیه مردان نیست.

* سپاس‌گزاری:

از شورای پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر در تأمین هزینه‌های مالی این تحقیق قدردانی می‌شود.

* مراجع:

1. Eisikovits Z, Benjamin B. From dichotomy to continua: towards a transformation of gender roles and intervention goals in partner violence. *Aggress violent behav* 2011; 16 (4): 340-6
2. Lilly MM, Graham-Berman AS. Ethnicity and risk for symptoms of posttraumatic stress following intimate partner violence: prevalence and predictors in European American and African American women. *J Interpers Violence* 2009 Jan; 24 (1): 3-19

person versus situation in life satisfaction: a critical examination. *Psychol Bull* 2004 Jul; 130 (4): 574-600

13. Holland SA, Roisman JG. Big five personality traits and relationship quality: self-reported, observational, and physiological evidence. *J Pers Soc Relation* 2008; 25 (5): 811-20

14. Donnellan MB, Conger RD, Bryant CM. The big five and enduring marriage. *J Research in Pers* 2004; (38): 481-4

15. Donnellan MB, Larsen-Rife D, Conger RD. Personality, family history, and competence in early adult romantic relationships. *J Pers Soc Psychol* 2005 Mar; 88 (3): 562-76

16. Straus AM. Thirty years of denying the evidence on gender symmetry in partner violence: implications for prevention and treatment. *Partner Abuse* 2010; 1 (3): 332-6